

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۲۱، پیاپی ۱۰۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

تاریخ‌نگری و منابع تاریخ‌نگاری مسعودی (۳۴۶-۲۸۰ه.ق.) در کتاب التنبيه والاشراف^۱

حسن مجربی^۲
علی غلامی فیروزجایی^۳
عباسعلی محبی‌فر^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۰۹

چکیده

اگرچه بررسی کارنامه تاریخ‌نگاری مسعودی، منحصر در کتاب التنبيه و الاشراف نمی‌باشد اما می‌توان گفت شاکله اصلی تاریخ‌نگاری وی را دربر می‌گیرد. مسعودی مورخ برجسته سده‌های سوم و چهارم هجری، یکی از بنیان‌گذاران تاریخ‌نگاری تحلیلی و عقلی به شمار می‌رود که با تألیف آثار خود، نگرش خاصی در تاریخ‌نگاری تحلیلی بر پایه عقل اعمال نمود. التنبيه والاشراف مسعودی از کتاب‌های عمومی اواسط قرن چهارم هجری است که در عین اختصار و سادگی، حجم وسیعی از اطلاعات تاریخی، جغرافیایی و فلسفی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. موضوع اصلی این نوشتار شناسایی منابع اطلاعات تاریخ‌نگاری مسعودی در التنبيه و الاشراف می‌باشد. استفاده از متونی نظیر منابع

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2018.19544.1204

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، (نویسنده مسئول). mojarabi398@gmail.com

۳. مدرس گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی قزوین. gh.firozjaini@yahoo.com

۴. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور. a_mohebefar@pnn.ac.ir

یونانی، عربی، مسیحی، یهودی و حتی هندی که نشانگر تلاشی جهت غنی‌سازی هرچه بهتر مطالب بوده و همچنین استفاده از دانش جغرافیا و بهره‌گیری از روش مهم و کارآمد مشاهده و مناظره و ترکیب آن با ذهن عقل‌گرا و مستدل‌سازی آن، از جمله محورهای اصلی منابع و شیوه‌های مورد استفاده مسعودی در کسب اخبار و معرفت تاریخی جهت نوشتن تاریخ بوده که وی را به عنوان یک میراث‌دار سنت تاریخ‌نگاری تحلیلی درآورده است.

واژه‌های کلیدی: مسعودی، التنبیه والاشراف، تاریخ، جغرافیا، منابع.

مقدمه

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۲۸۰-۳۴۶ هـ.ق)، مورخ برجسته سده‌های سوم و چهارم هجری است که با تاریخ‌نگاری خود، مبتنی بر تحلیل و تعلیل، افق‌های روشنی در تاریخ‌نگاری اسلامی گشود. التنبیه والاشراف و یا به قول نویسندگان اروپایی، «آواز قوی مسعودی» در زمره تواریخ عمومی بوده که وقایع را از آفرینش افلاک و ترکیب عناصر نجوم، شروع کرده تا دوران حکومت المطیع لله (۳۳۴-۳۶۳ هـ.ق) ادامه می‌دهد. با استخراج آمار و ارقام تعداد دفعات ارجاع به آثار دیگران، که بیش از یکصد و هفتاد بار صورت گرفته، و نیز آمار ارجاع به کتاب‌های خود مسعودی که بیش از یکصد و بیست بار انجام گرفته است، می‌توان دلیل نام‌گذاری این کتاب با عنوان «التنبیه والاشراف» را بهتر درک نموده نقش آن را در ارائه نگرش تمدنی جدید بهتر بیان کرد. موضوع اصلی این نوشتار شناسایی منابع مسعودی در کتاب التنبیه والاشراف، روش تاریخ‌نگاری وی در آن کتاب و همچنین سرچشمه‌ها و منابع فکری او می‌باشد. محور اصلی این مقاله بر یافته‌هایی استوار است که از پاسخ به پرسش‌های زیر به دست آمده‌اند: ۱- منابع مورد استفاده مسعودی در التنبیه والاشراف چه بوده است؟ شناسایی این منابع چه ارزش و فایده‌ای دارد؟ ۲- بُن‌مایه‌های فکری مسعودی در حوادث تاریخی چه بوده است؟

در باب پیشینه پژوهش باید ذکر شود تاکنون کتاب‌های زیادی در شرح احوال و آثار علمی مسعودی نوشته شده است. ابوالقاسم پاینده در ترجمه کتاب التنبیه والاشراف، اطلاعات ارزشمندی از زندگی و آثار مسعودی در اختیار اهل تحقیق قرار می‌دهد. علی‌رضا واسعی و محمد مهدی سعیدی در مقاله‌ای نکاتی درباره مسعودی و کتاب «مروج‌الذهب» و «التنبیه والاشراف» در باب فرایند اندیشه و رویه‌های نظری او اطلاعاتی را ارائه می‌کنند، ولی به منابع و سرچشمه‌های فکری مسعودی نپرداخته‌اند. علی‌رضا عسگری در مقاله‌ای با عنوان «مسعودی و التنبیه والاشراف» مطالب

ارزشمندی آورده است و از منابع آن هم سخن گفته است ولی در چارچوب، مسئله تحقیق و همچنین اطلاعات آورده شده ابهامات زیادی دارد. علی محمد ولوی نیز در مقاله «ویژگی‌ها و روش تاریخ‌نگاری مسعودی» به روش مسعودی در تاریخ‌نگاری پرداخته است ولی به منابع آن اشاره چندانی نکرده است. با وجود این، تحقیق مستقلی در باب منابع تاریخ‌نگاری مسعودی، انجام نشده است.

زندگی‌نامه، آثار و تألیفات مسعودی

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی مورخ و جغرافی‌دان و از صاحبان تاریخ و اندیشه اسلامی بر پایه استدلال و عقل است که از سال ۲۸۰ تا ۳۴۶ هجری، در درخشان‌ترین و شکوفاترین ادوار تمدن اسلامی زندگی کرد (ابن حزم، ۱۴۰۳: ۱۹۷). عمده منابع، اشاره‌ای به سال تولد وی ندارند اما ولوی در مقاله خود وی را متولد اواخر قرن سوم هجری و احتمالاً حدود سال ۲۸۰ هجری می‌داند (ولوی، ۱۳۷۵: ۱۶) که این موضوع در پیشگفتار دو اثر برجای مانده از مسعودی نیز ذکر شده است.^۱ مورخان بسیاری نظیر ابن جوزی، ابن کثیر و مقریزی از مسعودی تأثیر گرفته‌اند (همان، ص ۳۱) اما ابن خلدون در این میان جایگاه ویژه‌ای دارد. چرا که او در مواقعی به صورت منتقدانه و در بعضی قسمت‌ها نیز در تأیید مسعودی مطالب زیادی بیان نموده است. از این جهت است که ابن خلدون، وی را بیش از دیگران ارج نهاده و حتی به او لقب «پیشوای کاتبان و مورخان» داده و می‌نویسد: «... عصر ما به کسی نیازمند بود تا کیفیات طبیعت و کشورها و نژادهای گوناگون را تدوین کند و عادات و مذاهبی را که به سبب تبدل احوال مردم دگرگونه شده است شرح دهد و روشی را که مسعودی در عصر خود برگزیده پیروی کند تا به منزله اصل و مرجعی باشد که مورخان آینده آن را نمونه و سرمشق خویش قرار دهند» (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۶۰). او را بزرگ‌ترین جغرافی‌دان و مؤلف فرهنگنامه نیز می‌دانند (سجاسی، ۱۳۶۸: ۳).

هدف مسعودی از نگارش التنبیه والاشراف

مسعودی خود ابتدا در قسمتی تحت عنوان ذکر هدف کتاب به بیان این موضوع پرداخته و پس از بیان عناوین برخی از کتاب‌های خود و موضوعات آنها نظیر آفرینش جهان و تاریخ اقوام بزرگ گذشته نظیر هندی‌ها، چینی‌ها، ایرانیان و غیره اختلاف عقاید مردم، افلاک، هیأت، آداب ریاست،

۱. در مورد زندگی‌نامه مسعودی رجوع شود به: ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۲۵۴؛ صفدی، ۱۴۲۰: ۵/۲۱؛ حموی، ۱۴۱۵: ۴/ ۱۷۰۵؛

سبکی، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۵۶. ابن حجر عسقلانی، ۲۰۰۲: ۵/ ۵۳۱

اقسام تدبیرهای مدنی که شاهان با عامه مردم انجام می‌دهند، آداب سیاست و ملکداری و شرح زندگانی پیامبران (ص) و اخبار خلفا و وزیران و دبیران تا روزگار خلافت مطیع عباسی، به این مسئله می‌پردازد که «بدین جهت مناسب دیدیم از پی کتاب‌های سابق، کتاب هفتم را با اختصار به نام التنبیه والاشراف تألیف کنیم و این از پس کتاب الاستذکار لما جری فی سالف الاعصار آمده است و...» (مسعودی، ۱۳۸۱: ۴).

اما هدف مسعودی از نگارش التنبیه: او پس از بیان مختصری از مطالب و موضوعاتی که در التنبیه خواهد آورد می‌گوید: «... و مطالب نخبه مربوط بدان مایه جلب توجه به کتاب‌های سابق می‌شود...» (مسعودی، ۱۳۸۱: ۵). در واقع مسعودی با این عبارت چکیده تجربیات عمر خود را در کتاب التنبیه به رؤیت خوانندگان رسانیده تا کسانی که در جستجوی اطلاعات کامل‌تر و جامع‌تری هستند به سایر کتب او مراجعه نمایند. او در مروج الذهب تاریخ یا علم اخبار را آن‌چنان اهمیت داده که می‌گوید: «اگر دانشوران خاطره‌های خویش را ثبت نمی‌کردند آغاز علم نابود و انجام آن تباه شده بود که هر علمی را از اخبار استخراج و هر حکمتی را از آن استنباط کنند» (مسعودی، ۱۳۷۸: ۱/ ۴۲۸). علاوه بر اهمیت کلی علم تاریخ، در این کتاب هدف ویژه خود از بیان مطالب مطروحه چنین بیان می‌کند: «... تا توجه کسان به کتاب‌های ما، که همین پیش از آن سخن آوردیم، جلب شود...» (مسعودی، ۱۳۸۱: ۵). با توجه به جدول پیوست (شماره ۱) در خصوص مطالب مندرج در کتاب التنبیه والاشراف و مقایسه آن با سایر آثار مسعودی، می‌توان هدف دیگری را نیز برای تألیف کتاب التنبیه والاشراف - که شاید بهتر است آن را به عنوان یادآوری و دیدگاه کلی در نظر گرفت (رابینسن، ۱۳۸۹: ۲۰۲) - ذکر کرد و آن اینکه کتابی فراهم گردد تا برای عموم مردم قابل استفاده باشد. همچنین تقریباً به نظر می‌رسد در دوره‌ای که یک استاد نثر عربی پیش از پایان قرن سوم تا اوایل قرن پنجم کتاب‌های طویل را ملال‌آور می‌دانست (همانجا). در کتاب التنبیه والاشراف، نقطه‌های آغازین نزدیکی به فلسفه تاریخ را نیز می‌یابیم. این کتاب آخرین نوشته مسعودی می‌باشد که از تمامی نوشته‌های پیشین خود در تألیف آن استفاده کرده است. وی به بازبینی اخبار بیش از جمع‌آوری آن اهمیت داده تا بتواند با اسلوب خود چهره مسائل و گفته‌ها را به وسیله دیگر دانش‌های کمکی مجسم سازد (اسماعیل، ۱۳۸۸: ۹۵).

منابع مسعودی در تألیف التنبیه والاشراف

به‌طور کلی منابع مورد استفاده مسعودی در تألیف التنبیه والاشراف به دو بخش قبل از اسلام و دوره اسلامی تقسیم می‌شود. مسعودی بر بیشتر زبان‌های رایج آن زمان تسلط داشته و فارسی، رومی،

هندی، یونانی، سریانی و برخی زبان‌های دیگر را به‌خوبی تکلم می‌کرد و این تسلط وسیلهٔ بسیار مناسبی بود تا با مردم و نیز عالمان هر منطقه ملاقات و مذاکره مناسب داشته باشد. او می‌گوید: «در هر سرزمین، دیار و منطقه‌ای شگفتی‌هایی است که تنها مردم همان منطقه از آن‌ها خبر دارند. بنابراین کسی که در وطن خود بماند و با اطلاعاتی که در وطن خود کسب کرده است بسنده کند، با کسی که عمر خود را در جهانگردی و سفر گذرانده است و حقایق را از مردم آن سرزمین‌ها به دست آورده است برابر نخواهد بود» (مسعودی، ۱۳۸۷: ۴/۱). باید افزود مطالب و مواد اصلی کتاب التنبیه والاشراف هرچند در اساس برگرفته از آثار تاریخی و جغرافیایی پیشین مؤلف است اما نمی‌توان آن را صرفاً خلاصه‌ای از آن منابع شمرد. بنابراین باید گفت مسعودی به‌عنوان یکی از مورخان مهم نیمهٔ قرن چهارم هجری در نگارش کتابش از منابعی استفاده نموده که برخی از آنها به دلیل آن‌که دیگر از بین رفته و اثری از آنها نیست، حائز اهمیت هستند و در بررسی این منابع آنها را به دسته‌های زیر تقسیم نموده‌ایم:^۱

الف- منابع یونانی

گسترده‌ترین منابعی که در بخش اول کتاب التنبیه مورد استفاده قرار گرفته منابع یونانی است که قریب به ۵۰ مورد از آنها استفاده شده و در این قسمت به بخشی از آنها پرداخته می‌شود:

- ۱- آنجا که مسعودی دربارهٔ فلک و طبایع چهارگانه صحبت می‌کند نظرات افلاطون، تامسپیوس و عده‌ای از فیلسوفان متقدم و متأخر عصر افلاطون را بیان می‌نماید. به عنوان نمونه او عنوان می‌کند که ارسطو معتقد است «فلک طبیعت پنجم است و از طبایع چهارگانه برون است» (مسعودی، ۱۳۸۱: ۷-۸). ۲- مسعودی به کتاب المجسطی بطلمیوس اشاره می‌کند و همچنین ضمن بیان آراء حریص اسکندرانی (در مورد برقلس)، افلاطون، ارسطاطالیس و افلوپرخس، گفته ارسطوطالیس در مقاله دوم کتاب السماء و العالم را آورده است (همان: ۱۱). ۳- استفاده از کتاب چهار مقاله و کتاب تغییرات جوئی بطلمیوس کلودی در خصوص وصف ایام سال و طلوع و غروب ستارگان (همان: ۱۵). ۴- استفاده از نظر بطلمیوس در بیان دورترین آبادی در جهت شمال و جنوب [زمین] (همان: ۲۵-۲۶). ۵- بیان نظر بطلمیوس کلودی در شناخت معموره جهان و حدود آن و تخطئه نظرات مارینوس، ابرخس و تیمستانس (توسط بطلمیوس) و بیان کتاب مسکون الارض [بطلمیوس] و یاد از شهرهای فراوان (همان: ۲۹-۳۰). ۶- مسعودی اشاره می‌کند: «ارسطاطالیس در مقاله دوم از کتاب آثار علوی از کار کسانی که اقطار و ابعاد زمین را رسم می‌کنند شگفتی کرده

۱. در جدول شماره ۲ شماره صفحات منابع مختلف اعم از یونانی، عربی و غیره ذکر شده است.

که زمین معموره را به صورت دایره می‌کشند...» (همان: ۳۰). ۷- استفاده از کتاب جغرافیای مارینوس در بیان مسائل مربوط به هفت اقلیم و طول و عرض آن و ساعات روز و... که مسعودی خود می‌گوید: «بهتر از همه آن بود که در کتاب جغرافیای مارینوس دیدم» (همان: ۳۳). ۸- مسعودی در هنگام توضیح کوه آتشفشان سیسیل می‌گوید: «فروریوس مؤلف کتاب ایساغوجی که مدخل کتاب‌های منطق ارسطاطالیس است در همین آتشفشان هلاک شد و...» (همان: ۵۸). ۹- مسعودی در فصل ذکر شمار دریا به چندین اثر یونانی که از آنها استفاده کرده اشاره دارد مثل: آثار علوی اثر ارسطاطالیس در چهارمقاله، السماءوالعالم اثر ارسطاطالیس در چهارمقاله، شرح کتاب آثار علوی ارسطاطالیس اثر اسکندر افرویدیسی، المدخل الی الصنایع الکریه اثر بطلمیوس (همان: ۶۶). ۱۰- مسعودی می‌گوید: «ثابت بن قُرّه حرّانی کتابی دارد که همه گفتار جالینوس را از کتاب‌های او درباره تأثیر خورشید و ماه در این جهان فراهم آورده است و پسر وی سنابن ثابت آن را در معرض استفاده نهاد» (همان: ۶۸). ۱۱- کتاب سیاست مُدن ارسطو که مسعودی در هنگام ذکر قوم سریانی از آن استفاده نموده است (همان: ۷۴). ۱۲- کتاب قانون [المسیر] اثر ثاون اسکندرانی^۱ که در هنگام ذکر ملوک یونانیان از آن استفاده شد (همان: ۱۰۴). ۱۳- کتاب الحيوان اثر ارسطاطالیس که نوزده مقاله است و می‌گوید: «وقتی بیست سال از دوران سقراط گذشت مردم از فلسفه طبیعی به فلسفه مدنی متمایل شدند» (همان: ۱۰۸). ۱۴- در بیان خصایل شاه یا رئیس مدینه فاضله استفاده از کتاب الفحص عن ملک المدینه الفاضله افلاطون و مقایسه نظر افلاطون با نظر ارسطوطالیس در کتاب السیاسة المدینه (همان: ۱۰۹). ۱۵- کتاب‌های سمع الکیان، السماءوالعالم، مابعدالطبیعه ارسطو و بیان نظریات وی درباره ازلیت، علیت و معلول (همان: ۱۱۰-۱۱۱). ۱۶- بیان اعتراض بطلمیوس کلودی در کتاب جغرافیا به نظرات مارینوس درباره صورت و شکل زمین توسط مسعودی (همان: ۱۱۷). ۱۷- مسعودی می‌گوید: «بطلمیوس کلودی مؤلف کتاب [های] المجسطی و جغرافیا و چهارمقاله و قانون که اساس کار ثاون اسکندرانی بود و کتاب تغییرات جوّ و کتاب موسیقی و دیگر کتاب‌ها که بدو منسوب است...» (همان: ۱۱۸-۱۱۹). ۱۸- کتاب اخلاق النفس اثر جالینوس و ذکر او در دوران کومودوس امپراطور روم (همان: ۱۲۰). ۱۹- کتاب‌های مختصر کتاب سیاست افلاطون و ایمان بقراط و شرح آن اثر جالینوس در ذکر طبقات ملوک روم (همان: ۱۲۱-۱۲۰). ۲۰- کتاب فادن اثر افلاطون در موضوع نفس (همان: ۱۲۱). ۲۱- استفاده از کتاب طیماوس افلاطون در بیان ترتیب عوالم (همان: ۱۴۶). ۲۲- نامه ارسطاطالیس به اسکندر که او را برای حرکت به جنگ دارا پسر دارا شاه ایران

۱. ثاون اسکندرانی: وی مهندسی مشهور در عصر خود بود (القفطی، ۱۳۷۱: ۱۵۲).

ترغیب می‌کند (همان: ۱۶۳) نیز مورد استفاده مسعودی در کتاب التنبیه قرار گرفته و از آن در بیان بخشی از ولایت‌های روم یاد شده است و همچنین نامه دیگری از ارسطاطالیس به اسکندر که به‌عنوان نامه بیت‌الذهب معروف است نیز بخشی از آن در التنبیه استفاده شده است (همان: ۱۸۲).

ب- منابع ایرانی قبل از اسلام

از منابع مورد استفاده در قسمت اول کتاب التنبیه والاشراف مسعودی آثار و تواریخ ایرانی است که بخشی از آنها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- کتاب عهد اردشیر (اندرزنامه اردشیر بابکان)^۱

مورخان اسلامی همگی به تاریخ از دیدگاه پند و اندرز نگاه کرده‌اند و در این میان مسعودی نیز برای تألیف کتاب خود به این مقوله از تاریخ باستان نیز توجه داشته است. بنابراین یکی دیگر از منابع اصلی مسعودی در التنبیه والاشراف کتاب عهد اردشیر می‌باشد. عهد اردشیر منقول در التنبیه، که مشتمل است بر وصایای سیاسی اردشیر بابکان به شاهان بعدی، دارای مطالب گوناگونی از این قبیل است: تأکید بر اتحاد دین و دولت؛ براندازی فرقه‌های بدعت‌گذار و غیره. به‌عنوان نمونه، فرمانی که اردشیر پسر بابک برای ملوک اعقاب خود درباره تدبیر دین و ملک به جا گذاشته است بخشی از این فرمان به این صورت است: «اگر یقین نداشتم که بر سر هزار سال بلیه می‌رسد پنداشتمی که از فرمان خود چیزها به جای نهاده‌ایم که اگر بدان چنگ زنید به‌جا خواهد ماند...» (همان: ۹۲). بنابراین به نظر می‌رسد این فرمان در واقع همان اثر معروف کارنامه اردشیر بابکان باشد.

۲- نامه تنسر موبد اردشیر^۲

این نامه دومین منبع ایرانی مورد استفاده در تاریخ‌نگاری مسعودی درباره حوادث قبل از اسلام می‌باشد. مسعودی در واقع با مطالعه این نامه، چگونگی برخورد با گروه بدعت‌گذار، سیاست‌های

۱. کارنامه اردشیر بابکان رساله‌ای است نیمه رزمی که زبان پهلوی ساسانی در این کتاب به سرگذشت داستانی اردشیر بابکان پایه‌گذار خاندان ساسانی شاپور پسر اردشیر و هرمز پسر شاپور به گونه‌ای چکیده بحث شده است (موسوی، ۱۳۸۱: ۵۹).

۲. نامه تنسر حاوی مطالب سیاسی، تاریخی و اخلاقی است و به‌صورت مکاتبه مابین هیربد بزرگ تنسر و پادشاه طبرستان شده است ... تاریخ نگارش این نامه هم‌زمان خسرو اول است نه عصر اردشیر بابکان (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

مملکت‌داری، روابط دینی و خارجی و سایر موارد برای اداره بهتر مملکت را به خوانندگان کتاب و حاکمان یادآوری کرده است و این یعنی آموختن عملی تجربه از تاریخ. درست است که او به هدف نهایی خود نرسیده است ولی تأثیر مثبتی هم داشته است. تنسر موبد اردشیر نیز که دعوتگر و مُبشِرِ ظهور وی بوده و در آخر نامه به ماجشنس فرمانروای جبال دماوند، ری، طبرستان، دیلم و گیلان این مطلب را یاد کرده و گوید: «اگر نه این بود که دانسته‌ایم بر سر هزار سال بلیه نازل می‌شود می‌گفتیم که شاهنشاه برای همیشه کار را سامان داده است ولی دانسته‌ایم که بلیه‌ها بر سر هزار سال است و علت آن نافرمانی ملوک است و بستن آنچه گشاده است و گشودن آنچه بسته است» (همان: ۹۲).

۳- کهنانه

سومین منبع مورد استفاده مسعودی درباره حوادث ایران قبل از اسلام کهنانه بوده که می‌گوید: «ایرانیان کتابی دارند به نام کهنانه که منصب‌های مملکت ایران در آن است که آن را به ششصد منصب مرتب کرده‌اند» (همان: ۹۷). «این کتاب از قبیل آیین‌نامه است و معنی آیین‌نامه کتاب رسوم و کتابی بزرگ است در چند هزار ورق که جز به نزد موبدان و دیگر صاحبان مقامات معتبر یافت نشود» (همان: ۹۸-۹۷). البته آنچه که بهره‌برداری مسعودی از کتاب‌های فوق‌الذکر را قطعی می‌کند اشاره خود مسعودی در جای دیگری از همین کتاب است که می‌گوید «در شهر استخر... کتابی بزرگ را دیدم که از علوم ایرانیان ... مطالب فراوان داشت که چیزی از آن در کتب دیگر چون خداینامه و آیین‌نامه و غیره ندیده بودم» (همان: ۹۹).

۴- علوم و اخبار ملوک، بناها و تدبیرهای ایرانیان

کتاب دیگری که مسعودی در سال ۳۰۳ هجری در شهر استخر دیده، شامل علوم، اخبار ملوک، بناها و تدبیرهای ایرانیان است. مسودی می‌گوید: «تاریخ کتاب چنان بود که در نیمه جمادی‌الآخر سال یکصد و سیزدهم از روی اسناد خزائن ملوک ایران نوشته شده و برای هشام عبدالملک از پارسی به عربی درآمده بود» (همانجا).

۵- کتاب‌های مانویان

بخشی از اطلاعات مسعودی در تألیف التنبیه والاشراف از کتاب‌های مانویان همچون جبله، شاپورقان (شاپورگان)، سفرالاسفار و کتاب کنز بوده است (همان: ۱۲۴).

ج: منابع عربی - اسلامی

منابع عربی بیش از نود بار در کتاب التنبیه والاشراف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استفاده از قرآن بسیار کم و حتی به تعداد ده بار نیز نمی‌رسد که برخی از این موارد را می‌توان در صفحات ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۹۸، ۲۳۸، ۲۵۱ ملاحظه نمود. سایر منابع عربی نیز برخی با یاد از اسامی مورخان و علمای اخبار همراه با نام آثارشان (به صورت مکتوب) و برخی به صورت نقل قول‌های شفاهی و یک مورد خاص هم با استشهاد به گفته یکی از عربان دوره جاهلیت است. در نقل قول‌های شفاهی هم برخی موارد حتی منبع گفتار مشخص نیست. مانند عبارات: «بعضی عربان یمنی گویند...» (همان: ۱۹) و یا «شاعر ایرانی به دوران اسلام در مقام تفاخر گوید...» (همان: ۳۸). «جمعی از اخباریان و نسب‌شناسان قدیم یمانی بر این رفته‌اند که...» (همان: ۷۶). اگرچه در بررسی ادامه این نقل قول‌ها مشخص است که مسعودی به سند این مطالب دسترسی داشته است نظیر: «جمعی از اخباریان و نسب‌شناسان قدیم یمانی بر این باورند که پس از عاد ملک به یقطن یعنی قحطان بن عابر رسید و گفته علقمه‌ذی‌جدن را شاهد آورده‌اند که گوید: ملک قحطان همان ملک عاد است و حوادث آنها را نابود خواهد کرد» (همان: ۷۶).

به‌طور کلی مهم‌ترین منابع مسعودی در دوره اسلامی تاریخ طبری، تاریخ واقدی، فتوح البلدان بلاذری، مسالک و الممالک ابن خردادبه، الوزاء و الکتاب جهشیاری و تحقیقات میدانی ایشان می‌باشد. این منابع که مورد استفاده قرار گرفت عبارتند از: ۱- کتاب رسم المعمور من الارض یعقوب بن اسحاق کندی در ذکر زمین و شکل آن (همان: ۲۶). ۲- نقشه مأمونی، مسعودی می‌گوید: «در نقشه مأمونی که برای مأمون ساخته‌اند و در کار آن جمعی از حکیمان عصر شرکت داشته‌اند جهان را با افلاک و نجوم و خشکی و دریا و آباد و بایر و محل اقوام و شهرها و دیگر چیزها کشیده‌اند» (همان: ۳۳). ۳- رساله فی البحار والمد و الجزر و غیرذالک اثر یعقوب بن اسحاق کندی؛ رساله فی منافع البحار و الجبال و الانهار احمد بن طیب (همان: ۵۱)؛ کتاب الاخبار عن الامصار و عجائب البلدان جاحظ (همان: ۵۴)؛ کتاب فی الدوله العباسیه سلمویه (همان: ۶۲)؛ المسالک و الممالک ابن خرداد (همان: ۷۱) و کتاب النواحی و الافاق و الاخبار عن البلدان و کثیر من عجایب ما فی البر و البحر اثر محمد بن احمد بن نجم بن ابی عون دبیر (همان: ۷۱) در مبحث ذکر شمار دریاها. ۴- مقاتل فرسان العرب ابو عبیده معمر بن مثنی در مبحث ذکر طبقات ملوک ایران (همان: ۹۶). ۵- الاسطیقات علی رأی جالینوس علی طریق المسأله و الجواب حنین بن اسحاق و کتاب المنصوری فی الطب زکریای رازی در مبحث ذکر طبقات ملوک روم (همان: ۱۲۱-۱۴۶). ۶- زیج نجومی محمد بن موسی خوارزمی در مبحث ذکر ولایت‌های روم (همان: ۱۶۷). ۷- سی

فصل محمد بن کثیر فرغانی و کتاب مناقب قریش و فضائلها از ابو عبیده معمر بن مثنی در مبحث تاریخ اقوام و پیامبران و ملوک (همان: ۱۸۰-۱۹۱). ۸- زیج (جداول نجومی) مربوط به محمد بن موسی خوارزمی، زیج‌های سه گانه حبش بن عبدالله به نام‌های سند هند، ممتحن و شاه در مبحث مختصری از سال‌ها و ماه‌های اقوام (همان: ۲۰۱). ۹- المغازی والسير واقدی (همان: ۲۱۷)؛ کتاب الدیاج ابو عبیده معمر بن مثنی (همان: ۲۲۱) و کتاب غریب الحدیث ابو عبید قاسم بن سلام (همان: ۲۳۷) در مبحث تاریخ پیامبر. ۱۰- کتاب انساب آل ابی طالب: مسعودی می گوید: «آنچه درباره آل ابی طالب بگفتم از کتاب انساب ایشان است که طاهر بن یحیی بن عبدالله بن حسین بن ابی طالب از پدرش برای ما روایت کرده است» (همان: ۲۷۶). ۱۱- انساب قریش از زبیر بن بکار در مورد اعقاب ابوبکر، عمر و عثمان (همان: ۲۷۷). ۱۲- البراهین فی امامه الاموین و نشر ما طوی من فضائلهم: این کتاب در بیان خلافت عثمان، معاویه، یزید و باقی امویان حتی در اندلس تا سال ۳۱۰ ه.ق (همان: ۳۱۷). ۱۳- اخبار الوزراء از ابو عبدالله محمد بن داوود جراح و اخبار الوزراء والکتاب از جهشیاری درباره خلافت هادی عباسی (همان: ۳۲۵-۳۲۶). ۱۴- فتوح البلدان بلاذری؛ فتوح مصر و الاسکندریه و المغرب و الاندلس و اخبارها از عبدالرحمن بن عبدالله بن عبدالحکم مصری و کتاب اخبار البغداد از ابن ابی طاهر درباره خلافت معتصم (همان: ۳۴۱-۳۴۲). ۱۴- کتاب فی الرد علی اصحاب التناسخ و الخرمیه و غیرهم من اهل الباطنی ابوعلی محمد بن عبدالوهاب جبائی؛ کتاب الاراء والدیانات و الرد علی الغلاه و غیرهم من الباطینه اثر حسین بن موسی نویختی و کتاب‌های الوصیه، التسلیم و رساله مذهب از محمد بن علی شلمغانی در مبحث خلافت راضی عباسی (همان: ۳۸۲).

موارد فوق تنها کتاب‌هایی بوده‌اند که مسعودی با ذکر نام در التنبیه والاشراف از آنها استفاده نموده است و برخی از افراد و علمای اخبار نجوم، شعر و غیره نیز هستند که مسعودی فقط با ذکر نام اشخاص آنها مطالبی را بیان کرده و از ذکر نام کتب ایشان خودداری نموده یا اینکه اشاره مختصری به موضوعات کتب آنها (و نه عناوین آنها) داشته است و تعدادی از آنها برای نمونه: محمد بن موسی خوارزمی، هشتم بن عدی طائی، هشام بن محمد بن سائب کلبی، عبید بن شریه جرهمی، ابوتمام، کمیت بن زید اسدی.

د: منابع یهودی

مسعودی در تألیف کتاب التنبیه خود از آثار یهودی نیز استفاده کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- تورات

مهم‌ترین منبع یهودی که مسعودی در تألیف کتاب التنبیه از آن استفاده و مطالب عمده‌ای نیز از آن ذکر کرده کتاب مقدس تورات می‌باشد. وی در صفحات ۷۴، ۸۹، ۱۶۶ و ۱۹۳ از این منبع سود برد. به نظر مسعودی تورات از زبان عبرانی در زمان بطلمیوس الکساندروس به وسیله ۷۲ نفر از احبار در اسکندریه مصر به زبان یونانی ترجمه شد (همان: ۱۰۵). بنا به گفته مسعودی «عده‌ای از متقدمان و متأخران و از جمله حنین ابن اسحاق این نسخه را به عربی ترجمه کرده‌اند و این نسخه به نظر بیشتر کسان درست‌ترین متن تورات است» (همانجا). براساس این متن، گویا تورات حداقل تا زمان مسعودی بیش از یکبار به زبان عربی ترجمه شده بود و از بین این ترجمه‌ها مسعودی ترجمه حنین ابن اسحاق را برگزیده و از آن بهره برد.

هـ: منابع مسیحی

مهم‌ترین منابع مسیحی مسعودی در تألیف کتاب التنبیه: ۱- کتاب السلیخ: این کتاب که حاوی چهارده رساله پولس است در اوقات مختلف برای مردم روم و غیره نوشته شده است (همان: ۱۴۵). ۲- بیست و چهار کتابی که یهود و نصاری درباره آن متفق‌اند و یهودان آن را کتب جامعه و نصاری کتب صورت یعنی قدیم گویند (همان: ۱۶۶). ۳- کتاب‌های دیگری که به نام نویسندگان آنها معروف بوده است. این منابع شامل کتب محبوب پسر قسطنطین منجی، کتاب سعید پسر بطریق، کتاب اثنا یوس راهب مصری، کتاب یعقوب پسر زکریای کسکری، کتاب ابوزکریا دنخای نصرانی (همان: ۱۴۰) و کتب بیرکسیس، دیونوسیوس و قلمنس می‌باشد (همان: ۱۴۵).

و: منابع هندی

مهم‌ترین منابع هندی مسعودی در تألیف کتاب التنبیه: کتاب سند هند، کتاب‌های ارجهز و ارکند که همگی در علم نجوم بوده‌اند (همان: ۲۰۰).

ز: مشاهدات، مناظرات و گفتگوها

بی‌شک مهم‌ترین بخش کتاب التنبیه والاشراف شرح وقایعی است که به روزگار مؤلف اتفاق افتاده و این کتاب را به مهم‌ترین منبع قرن چهارم هجری تبدیل کرده است. که به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- مشاهدات مستقیم

یکی از بهترین روش‌های مسعودی برای کسب اطلاعات مهم مسعودی صرف مشاهده و گزارش آنچه که می‌بیند نیست بلکه تلاش می‌کند با عرضه آن به عقل یک تحلیل‌باورمند و قابل قبول برای خود و دیگران ارائه دهد. بنابراین او در طی سفرهای خود در مناطق مختلف همچون دیار سند، زنگ، چین، زابج، اقصای خراسان، ارمنستان، آذربایجان، اران و بیلقان و روزگاری در عراق و شام این یافته‌ها را در ظرف عقل ریخته و حتی آن را با اطلاعات پیشینیان مقایسه می‌کند و سپس احیاناً نادرستی اطلاعات دیگران را یادآوری می‌نماید. نمونه‌هایی از آن عبارتند از: ۱- «گویند، رود جیحون به نیزارها و مرداب‌ها منتهی می‌شود ... و نیز گویند در نزدیک کرمان ... ولیکن ما به گرمسیر و سردسیر فارس و کرمان و سیستان رفته‌ایم و این را مطابق واقع نیافته‌ایم...» (همان: ۶۳). ۲- «این دریاچه که ارسطاطالیس و دیگران یاد کرده‌اند بحیره الممتنه یا دریاچه اریحا و زغراست و ما آن را دیده‌ایم» (همان: ۶۹). ۳- بازدید رود «زرنرود» (زرنه‌رود) در اصفهان (همان: ۷۰). ۴- مسعودی گوید: «سال ۳۰۳ در شهر استخر پارس به نزدیکی از بزرگ‌زادگان ایران کتابی بزرگ دیدم که از علوم و اخبار ملوک و بناها و تدبیرهای ایرانیان مطالب فراوان داشت که چیزی از آن را در کتب دیگر چون خدای‌نامه و آیین‌نامه و غیره ندیده بودم» (همان: ۹۹). ۵- «قبطیان مصر را دیده‌ام که این را افقطی گویند و حساب ماه‌های قمری را برای عید فصح نگه دارند» (همان: ۱۹۹). ۶- «زمستان سرزمین هند نیز که آن را سیاره گویند در سرزمین لار بزرگ و در دیگر ولایت‌های هند دیده‌ایم...» (همان: ۲۰۳). ۷- «آنگاه (ابوطاهر) با باروبنه سوی شهر هیت رفت و آنجا را محاصره کرد. من آن روز بر فرات از شام سوی مدینه‌السلام می‌رفتم و یارانش که در سمت انبار بودند...» (همان: ۳۷۱). ۸- «هنگام سحر پیش از حرکت وی (ابوطاهر) آتش بزرگ از اردوگاهش بلند شد و ما پنداشتیم که می‌خواهد جنگ از سرگیرد...» (همان: ۳۷۲).

۲- مناظرات و گفتگوها

همواره ممکن است در بخشی از منابع یک کتاب به‌ویژه کتاب‌های تاریخی مقداری اغراق و غلو، جانبداری‌ها و انحرافات فکری وجود داشته باشد. با این حال اگر یک مورخ بی‌غرض که می‌کوشد حتی مبانی عقیدتی خود را در یافته‌های خود تأثیر ندهد پیدا کنیم و ضوابط فکری آن تا حدودی برای ما مشخص باشد، جایگاه این مقوله می‌تواند حتی فراتر از سایر منابع باشد و اینک نمونه‌های آن: ۱- «مردم اسکندریه از پدران خود نقل می‌کنند که سابقاً...» (همان: ۴۸). ۲- «جمعی از متأخران و مطلعان گُرد که بعضی از آنها را در این ولایت‌ها دیده‌ایم گویند که

...» (همان: ۷۵). ۳- «میان ما و ابو کثیر در فلسطین و اردن درباره نسخ شرایع و فرق آن با اعبدا و درباره مسائل دیگر مناظرات بسیار بود و هم یهودا ابن یوسف معروف به ابن ابی‌الشنا ...» (همان: ۱۰۵). ۴- «واصفطن به طوری که به ما که در فسطاط هستیم به وسیله بازرگانانی که در کشتی از قسطنطنیه می‌رسند و فرستادگانی که به حضور سلطان می‌آیند خبر می‌رسد، تاکنون در آن جزیره مانده است» (همان: ۱۵۷ - ۱۵۶). ۵- «ابومسلم ابراهیم بن عبدالله کشی برای ما نقل کرد و نیز ابوخلیفه فضل بن حباب جمعی ... برای ما نقل کرد که ...» (همان: ۲۳۳). ۶- «یکی از متأخران را که مخالف هاشمیان طالبی و عباسی است و طرفدار امویان و قایل به امامت ایشان است دیده‌ایم که گوید ...» (همان، ص ۳۱۶). ۷- «پیش از این [ابوطاهر جنابی] سلیمان حلبی را به کفر توثا فرستاده بود که توشه و آذوقه به اردوگاه او حمل کند. وی از پارسایان و اهل درایت مذهب آنها بود. من با بسیاری از دعوت‌گران و مطلعان ایشان سخن گفته‌ام و کسی مانند او به درایت و فهم و دلبستگی به مذهب خویش و مهارت کامل در روش دعوت‌گری ندیده‌ام» (همان: ۳۷۲).

ارتباط تاریخ و جغرافیا در التنبیه والاشراف

مسعودی یک مورخ جغرافی‌دان است که به خوبی توانسته است به ترکیبی درخور از این دو رشته دست یابد. اگرچه قبل از او یعقوبی دست به نگارش کتاب جغرافیایی نظیر «البلدان» زده است، اما ایجاد ارتباط بین تاریخ و جغرافیا و در واقع استفاده از جغرافیا به مثابه پیش درآمد و دروازه‌ای برای ورود به تاریخ توسط مسعودی انجام می‌پذیرد. همان‌طور که در کتاب التنبیه والاشراف بعد از بیان هدف از نگارش کتاب و ذکر هیأت افلاک، صفحات زیادی در بیان مطالب جغرافیایی نظیر تقسیم زمان و فصول سال، بادهای چهارگانه، زمین و شکل آن، اقالیم و ذکر شمار دریاها می‌باشد. نکته مهم در جغرافیاشناسی مسعودی و تاریخ، بهره‌گیری از روش مشاهده مستقیم در کسب اطلاعات علمی است. نظیر آنچه در مورد مصب رود جیحون و فرو ریختن آن به دریای هند نزدیک کرمان گفته شد. چنان‌که او می‌گوید «ما به گرمسیر و سردسیر فارس، کرمان و سیستان رفته‌ایم و این را مطابق واقع نیافته‌ایم» (همان: ۶۳). «... یا دیدن دریاچه اریحا و زغر...» (همان: ۶) «... و دیدن رود کرمان...» (همان: ۷۰). طبیعی است که اگر کتاب بسیار مهم او به نام القضايا والتجارب که شرح رویدادهای سفرهای او در دسترس بود تعداد بسیار زیادی از این نمونه اطلاعات روشن می‌شد. مسعودی درباره شناخت اماکن، راه‌ها و منزلگاه‌های مملکت عباسیان گزارش مرتب و منطقی در کتب خود ارائه نمی‌دهد ولی خلاصه‌ای از اطلاعات جغرافیا دانان مسلمان معاصر خویش را در جغرافیای ریاضی و طبیعی در کتاب خود آورده است. او حتی در

رد کردن نظریات کهن جغرافیادانان یونانی همچون بطلمیوس، درخصوص وجود قاره‌ای در نیمکره جنوبی، تردیدی به خود راه نداده (قرچانلو، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۳) و از این راه به پیشرفت جغرافیا کمک مؤثری نموده است.

نقش کتاب التنبیه والاشراف در تمدن اسلامی

از آنجا که التنبیه والاشراف خلاصه یا برداشت کلی مؤلف آن از سایر کتاب‌هایش می‌باشد، می‌توان برای شیوه کار او در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ارزشی نو قائل شد. شاید بتوان پذیرفت که مؤلف در این کتاب نگرش تمدنی جدیدی از خود ارائه داده است. در واقع می‌توان او را از پدیدآورندگان جغرافیای انسانی در جوامع مسلمان نام برد که بعدها سرمشق و الگوی مورخان و جغرافی‌دانان دیگری نظیر ابن خلدون قرار می‌گیرد. مثلاً «در خصوص باد مریسی در مصر که گرمای تن را نیرو می‌دهد و یا باد شمال که تن‌ها را سست کند» (همان: ۱۸) و یا «ربع شرقی (مسکون) که مردم آن راز نگهدارند و به اظهار کارها تفاخر کنند و این از طبع خورشید است» (همان: ۲۳) و یا در وصف مردم اقلیم چهارم (عراق) گوید «دارای عقل درست و تمایلات پسندیده و شمایل موزونند اخلاطشان متعادل ... به رنگ و چهره از همگان متعادل و به ادراک و بردباری کامل‌ترند و اهل نیکی و دانش‌اند از آن رو که گرمای جنوب و سرمای شمال در قلمرو آنها به هم آمیخته است» (همان: ۴۱). در حوزه تاریخ هم او دست به ابداع می‌زند و آن هم اینکه برخلاف روش معمول که مورخان و اخباریان از شیوه اسناد و ذکر راویان مختلف یک روایت تا رسیدن به اصل گوینده آن را در پیش می‌گرفتند، او به حذف اسناد دست زده است، اگرچه یعقوبی نیز قبل از او اقدام به حذف اسناد نموده، اما او دست به روش ترکیبی زده و مضاف بر آن منابع خود را در مقدمه کتاب خود بیان کرده است (یعقوبی، ۱۳۷۸: ۱/۳۵۷). ولی مسعودی در عین اقدام به حذف اسناد می‌کوشد تا منابع مختلفی را که از آن استفاده می‌کند اعم از کتاب، مشاهده و یا مناظره را در داخل متن اصلی به آن اشاره نموده و از آن بهره گیرد. همچنین تاریخ در آثار مسعودی صرفاً جنبه نقل حوادث، رویدادهای سیاسی، نظامی، زندگی نخبگان و حاکمان نداشته، بلکه هم بُعد اجتماعی آن پررنگ بود و هم موضوعات و معارف مطروحه در آن متنوع، و مهم‌تر اینکه برای بررسی علل و عوامل تحلیل رویدادها دیدی جامع و ساختاری، فراتر از رویدادهای صرفاً تاریخی به پدیده‌های اجتماعی داشته است. در واقع می‌توان گفت مفهوم تاریخ جدید به وضوح بر آثار مسعودی قابل تطبیق است (واسعی، ۱۳۸۹: ۷). به همین دلیل کار مسعودی برای مورخان بعدی به عنوان هدف و نقطه اوج محسوب گردیده است.

ابن خلدون ضمن اشاره به این موضوع آثار مسعودی را به عنوان منبعی ذکر می‌کند که بسیاری از مورخان در اخبار بدان اعتماد دارند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۹). ابن خلدون گرچه بسیاری از روایات او را نقد کرده ولی به برتری علمی او اعتراف دارد. احمد امین شیوة تاریخ‌نگاری او را مغایر با شیوة طبری و هر کدام را دارای فضیلتی دانست (امین، ۲۰۰۵: ۲/ ۲۰۶-۲۰۷). نفوذ آثار مسعودی در کتاب المسالك والممالك بکری نیز کاملاً محسوس است (بکری، ۱۳۹۲: ۱۳). مسعودی در التنبیه والاشراف در هر جایی که مناسب می‌داند به علوم دیگر نظیر نجوم (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۲-۶۷-۶۸) فلسفه (همان: ۱۰۸-۱۱۰-۱۱۱) منطق (همان: ۱۱۱) و سیاست (همان: ۱۰۹) نیز پرداخته است. پس این اندیشه مسعودی است که دریچه تازه‌ای برای نگاه به حوزه‌های مختلف فرهنگی و تمدنی را برای آیندگان جهان اسلام به میراث گذاشت. به همین دلیل محمود اسماعیل می‌گوید: «ما از این هم فراتر رفته و مسعودی را از پیشگامان فلسفه تاریخ به حساب می‌آوریم و البته این مسئله اغراق نیست ... وی حقیقتاً بر چیزهایی پافشاری می‌کند که فیلسوفان جدید تاریخ آن را "شرایط واقعی" می‌نامند که محصول تشریک مساعی عوامل داخلی و خارجی در رخدادهای انقلابی تاریخ و صیوروت آن است. این نکته، اضافه بر گسترش این صیوروت به دیگر پدیده‌های مادی و معنوی است که در پندار مسعودی یکی شده و ذهن او را به سوی عقلانیت توسعه داده است» (اسماعیل، ۱۳۸۸: ۹۶). شاید برای بسیاری از افراد که کتاب التنبیه والاشراف مسعودی را می‌خوانند این تصور پیش آید که به لحاظ عمق و بررسی اطلاعات این کتاب جایگاه درخور شایسته‌ای ندارد، کار مسعودی با شتاب فوق‌العاده صورت گرفته و او فرصتی برای تحلیل این اطلاعات گسترده به‌دست نیاورده است (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). اما باید به این کتاب از دیدگاه مسعودی نگریست یعنی کسی که در حوزه‌های مختلف علوم نظیر: تاریخ، جغرافیا، فلسفه، نجوم، ادیان و مذاهب بالغ بر ۳۵ کتاب نگاشته که برخی از آنها نظیر اخبارالزمان مشتمل بر ۳۰ جلد می‌باشند و اگر کسی بخواهد به این حجم وسیع از اطلاعات دسترسی پیدا کند زمان زیادی را صرف خواهد نمود، اما مسعودی کتاب التنبیه والاشراف را در حکم فهرستی قرار داده که هر کسی بتواند با یک نگاه مختصر علاوه بر آشنایی با موضوعات سایر کتب او بتواند در سریع‌ترین زمان ممکن به آن دست یابد و این امر زمانی بهتر آشکار می‌گردد که بدانیم در طول کتاب التنبیه والاشراف قریب ۹۵ بار مؤلف از کتاب‌های خود نام برده و اشاره کرده است که اگر کسی خواستار افزایش اطلاعات خود در آن مورد مخصوص است می‌تواند به منبع مذکور مراجعه نماید. علاوه بر این تعداد ۲۷ بار نیز مسعودی بدون نام از کتاب خاصی خواننده را به سمت کتاب‌های پیشین خود سوق داده است.

نتیجه‌گیری

مسعودی از جمله مورخانی است که در تاریخ‌نگاری اسلامی تأثیرات فراوانی برجای نهاد. او با نگاه عمیق خود در مقایسه با مورخان پیشین، رویکرد عقلانی نسبت به حوادث تاریخی را برگزیده است و این امر در اکثر آثار وی از جمله در کتاب التنبیه والاشراف به وضوح نمایان است. در کانون تاریخ‌نگاری وی، تعلیل، انتقاد، عقل‌گرایی، مشاهده و مناظره جای دارد. این نوع نگاه نقادانه مسعودی در استفاده از منابع مورد استفاده او و شیوه تاریخ‌نگاری وی در بیان اغراق و غلو، جانبداری‌ها و انحرافات فکری موجود تأثیرگذار بوده و ضمن اینکه مسعودی بعد از بیان انحرافات موجود راه صحیح را هم نشان داده است. به عنوان نمونه با استفاده از منابع دسته اول ساسانیان مانند کتاب «عهد اردشیر» از روش ساسانیان در مملکت‌داری سخن گفته که بعدها برخی از دولت‌های ایرانی مانند آل‌بویه و دیگران از روش ساسانیان در مملکت‌داری استفاده نمودند. می‌توان گفت که از ابتکار ایشان ایجاد تجارب تاریخی در امور مملکت‌داری می‌باشد. وی در انتخاب منابع بسیار دقت می‌کرد و به سرچشمه‌ها و منابع فکری بسیار معتبر مراجعه می‌نمود، به طوری که می‌توان او را مورخی صادق دانست که به دور از هرگونه جانب‌داری و تعصب به گزارش و ثبت وقایع پرداخته است. با بررسی منابع مورد استفاده مسعودی و به خصوص تحقیق میدانی و مستقیم ایشان می‌توان نگاه جهانی به ابعاد تجربه و آزمون‌های مردم، ظرافت و ارزش کار این دانشمند را باز شناخت. از فعالیت‌های بکر و نو مسعودی در تحقیق میدانی و مستقیم، نگاه عقلانی به یافته‌های خود و مقایسه آن با اطلاعات پیشینیان و سپس احیانا یادآوری نادرستی اطلاعات دیگران می‌باشد؛ مانند تصور غلط پیشینیان در اینکه رود جیحون به نی‌زارها و مرداب‌ها منتهی می‌شود. بنابراین باید گفت وی در التنبیه والاشراف روش جدیدی در تاریخ‌نگاری اسلامی و نگرش تمدنی جدیدی ایجاد نمود که آن عبارت بود از ایجاد جغرافیای انسانی در جوامع مسلمان از نگارش کتاب دایره المعارف گونه و در عین حال کم حجمی که به دنبال برطرف کردن نیاز مخاطبان خود بود. بیان مختصری از علوم رایج مطرح در عصر مؤلف و خصوصاً ترکیب بدیع دو مقوله تاریخ و جغرافیا و استفاده از جغرافیا به مثابه پیش درآمدی برای ورود به تاریخ و بهره‌گیری از روش مشاهده مستقیم در بیان مطالب جغرافیایی و برخی مطالب تاریخی از نقاط قوت تاریخ‌نگاری مسعودی در کتاب التنبیه والاشراف می‌باشد. اما از امتیازات این کتاب، اتکای به منابع مهم و قدیمی می‌باشد که مهم‌ترین آن عبارت بود از: ۱- منابع یونانی همچون کتاب المجسطی بطلمیوس، کتاب چهارمقاله و کتاب تغییرات جوی بطلمیوس کلودی، کتاب جغرافیای مارینوس و سیاست مدن ارسطو؛ ۲- منابع ایرانی قبل از اسلام مثل کتاب عهد اردشیر، نامه تنسر موبد اردشیر و کهنانه ۳- منابع عربی -

اسلامی همچون قرآن، تاریخ طبری، تاریخ واقدی، فتوح البلدان بلاذری، مسالک و الممالک ابن خردادبه و الوزاء و الکتاب جهشیاری ۴- منابع یهودی همچون تورات ۵- منابع هندی همچون کتاب سند هند و همچنین اطلاعاتی که از طریق مشاهدات مستقیم، مناظرات و گفتگوهای خویش با دیگران بدست می‌آورد. اما نکته تحلیلی مهم در باب منابع تاریخ نگاری مسعودی، برخی از این آثار و منابع به طور مستقیم و آشکار در کتاب التنبیه و الاشراف مورد استفاده قرار گرفته‌اند و برخی از آن منابع نیز به طور غیر مستقیم ولی روشن در کتاب مذکور به کار رفته است، که این امر نشان از آشنایی او با این منابع دارد، بنابراین بدون تردید باید گفت مسعودی با متون مقدس دینی و غیر دینی ایرانیان قبل از اسلام، عهد عتیق و کتبی چون وداها و سند هند شناخت داشته و با آثار متفکران یونانی همچون بطلمیوس، ارسطاطالیس و غیره آشنا و حتی مسلط بوده و اشارات فراوانی به محتوای این آثار دارد. مسعودی با استفاده از تمام منابع مذکور در نگارش التنبیه و الاشراف اطلاعات جامع و کاملی در تاریخ و جغرافیا ارائه نمود که راه و روش اصالت عقل و توجه به فلسفه تاریخ را مورد توجه مورخان آینده قرار داد. به واقع می‌توان ایشان را مخترع گرایش جغرافیای تاریخی در علم تاریخ دانست. نکته مهم قابل استنباط از التنبیه و الاشراف عدم توجه به تقدیرگرایی در تحلیل وقایع تاریخی با استفاده از جغرافیا و اصالت عقل می‌باشد و با استفاده از منابع یونانی مانند کتاب جغرافیای مارینوس، اطلاعات جغرافیای به دور از توهم و خیال پردازی ارائه داده و یا از منابع هندی اطلاعات با ارزشی در مورد نجوم ارائه نموده است. چنین به نظر می‌رسد قبل از ایشان بیشتر اطلاعات مردم از ملل دیگر بر مبنای خیال‌پردازی و خرافات بوده است. باید اعتراف نمود که مسعودی کتاب التنبیه و الاشراف را در حکم فهرستی قرار داده که هرکسی بتواند با یک نگاه مختصر علاوه بر آشنایی با موضوعات سایر کتب او بتواند در سریع‌ترین زمان ممکن به آن دست یافته و از آن منابع استفاده نماید، به طوری که یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری او توجه به مآخذ و یادکردن آن منابع در متن کتاب التنبیه و الاشراف می‌باشد که این ویژگی نیز کمک بسیاری برای مورخان و پژوهشگران شد.

پیوست

۱- منابع یونانی

۷ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۵ و ۲۵ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۳ و ۴۳ و ۴۵ و ۴۷ و ۵۱ و ۵۸ و ۶۴ و ۶۶ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۴ و ۸۳ و ۱۰۴ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۱ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۵ و ۱۴۶ و ۱۶۰ و ۱۶۳ و ۱۷۹ و ۱۸۲.

۲- منابع عربی

۱۷ و ۱۹ و ۲۶ و ۳۸ و ۳۳ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۵ و ۵۱ و ۵۴ و ۵۸ و ۶۲ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۸۳ و ۸۴ و ۹۶ و ۱۱۲ و ۱۲۱ و ۱۴۶ و ۱۵۳ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۱ و ۱۸۰ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۹۱ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۲۱ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۳۷ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۸ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۶۲ و ۲۶۷ و ۲۷۷ و ۲۸۸ و ۲۹۲ و ۲۹۴ و ۳۰۱ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۱۰ و ۳۱۷ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۶۲ و ۳۷۴ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲.

۳- قرآن: ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۹۸ و ۲۳۸ و ۲۵۱.

۴- منابع مسیحی: ۱۱۲ و ۱۳۱ و ۱۴۰ و ۱۴۵ و ۱۶۶.

۵- منابع یهودی: ۷۴ و ۸۹ و ۱۰۵ و ۱۶۶ و ۱۹۳.

۶- منابع هندی: ۲۰۰ و ۲۰۱

۷- گفتگوها و مناظرات: ۴۱ و ۴۲ و ۴۸ و ۷۵ و ۸۵ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۴۴ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۲۳۳ و ۲۷۰ و ۳۱۶ و ۳۷۲ و ۳۸۳

۸- مشاهدات مستقیم: ۶۳ و ۶۹ و ۷۰ و ۹۱ و ۹۹ و ۱۴۴ و ۱۷۵ و ۱۹۹ و ۲۰۳ و ۳۷۱ و ۳۷۲

علامت * نشانگر پرداختن به موضوع مذکور در کتاب التنبیه والاشراف می‌باشد.

ردیف	سایر کتاب‌ها	التنبیه
۱	اخبار آغاز جهان و نسل‌های فنا شده	*
۲	هند- چین - ایران - یونان	*
۳	پیامبران سلف و سرگذشت شاهان	*
۴	اختلافات عبادت‌ها	*
۵	اختلاف عقاید	*
۶	دریاهای جهان و آغاز و انجام آن	*
۷	دریاهای به‌هم‌پیوسته و گسسته	—
۸	دریاهای جزر و مددار و ندار	*
۹	طول و عرض دریاها	*
۱۰	خلیج‌های منشعب از دریاها	*
۱۱	رودها و جزیره‌های بزرگ	--
۱۲	زمین‌ها که خشکی بوده و دریا شده	*
۱۳	آنچه که دریا بوده و خشک شده	*
۱۴	جوانی و پیری دریاها	—
۱۵	سرچشمه و مصب رودهای بزرگ	*
۱۶	طول بستر رودها از ابتدا تا انتها	*
۱۷	شکل و هیأت زمین	*
۱۸	تقسیمات زمین	*
۱۹	ربع مسکون زمین	*

ردیف	سایر کتاب‌ها	التنبیه
۲۰	برجستگی‌های زمین	*
۲۱	دشت‌ها و فرورفتگی‌های زمین	—
۲۲	چگونگی ثبات زمین	—
۲۳	تأثیر کواکب بر مردم زمین	*
۲۴	اختلاف صورت و رنگ مردم	*
۲۵	اختلاط مردم	*
۲۶	هفت اقلیم و طول و عرض آن	*
۲۷	اقلیم‌های آباد و غیرآباد	—
۲۸	مقدار اقلیم‌ها	*
۲۹	مجرای افلاک و هیئت و اختلافات حرکات آن	*
۳۰	ابعاد ستارگان و جرم آن	—
۳۱	ستارگان پیوسته و جدا	—
۳۲	سیر و انتقال ستارگان در افلاک	*
۳۳	تأثیر حرکت ستارگان در جهان کون و فساد	*
۳۴	تأثیر ستارگان از روی تناسب یا تباین	—
۳۵	تأثیر ستارگان از روی اراده و قصد یا برعکس	—
۳۶	آیا فلک علت طبیعی دارد	*
۳۷	جهات و آفاق (شرق و غرب...)	*
۳۸	بناهای عجیب روی زمین	*
۳۹	درازی و کوتاهی عمرها	—
۴۰	آداب ریاست	*
۴۱	تدبیرهای مدنی شاهان با عامه	*
۴۲	رفتار شایسته شاه با رعیت	*
۴۳	اقسام تدبیر دینی و شمار اجزای آن	*
۴۴	چرا شاه را دین بایسته است؟ و برعکس	—
۴۵	چگونه آفت به ملک می‌رسد	—
۴۶	انقراض دولت‌ها	*
۴۷	نابودی شرایع و ملل	—
۴۸	ملک و دین	—
۴۹	نشانه اقبال دولت‌ها	—
۵۰	سیاست شهرها	—
۵۱	دین‌ها	—
۵۲	طبقات سپاه	—
۵۳	حیله‌های عیان و نهان در جنگ	—
۵۴	اخبار و عجایب عالم	*
۵۵	اخبار پیامبر (ص)	*

ردیف	سایر کتاب‌ها	التنبیه
۵۶	مولد پیامبر (ص)	*
۵۷	آیات پیش از ولادت پیامبر (ص)	*
۵۸	پیدایش و مبعث	*
۵۹	هجرت پیامبر (ص)	*
۶۰	جنگ‌های پیامبر (ص)	*
۶۱	وفات پیامبر (ص)	*
۶۲	خليفة‌گان پیامبر (ص)	*
۶۳	وزیران و دبیران تا زمان مطیع	*
۶۴	راویان اخبار و ناقلان سیره	*
۶۵	طبقات اخبار و سیره	*
۶۶	طبقات صحابه و پیروان	—
۶۷	فقیهان ولایات	—
۶۸	صاحبان آراء و نحل مذاهب و جدل	—
۶۹	تعیین سال وفات صاحبان آراء و نحل و مذاهب	—
۷۰	آیات پیش از ولادت پیامبر (ص)	*
۷۱	پیدایش و مبعث	*

منابع و مأخذ

- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۲۰۰۲م). *لسان‌المیزان*. تحقیق عبدالفتاح ابوغده. طبعه الاولی. بی‌جا: دار البشائر الاسلامیه.
- ابن حزم اندلسی، ابو محمد (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م). *جمهره انساب العرب*. تحقیق لجنة من العلماء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۷۵ ش). *مقدمه*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱ ش). الفهرست. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: اساطیر.
- اسماعیل، محمود (۱۳۸۸ ش). *نقد تاریخ پژوهی اسلامی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- امین، احمد (۲۰۰۵م). *ظهر الاسلام*. بیروت: دارالکتب العربی.
- بکری، ابی عبید عبدالله (۱۳۹۲ ش). *المسالك والممالك*. ترجمه حسین قرچانلو. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- حموی، ابو عبدالله یاقوت (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م). *معجم الادباء*. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- رابینسن، چیس اف (۱۳۸۹ ش). *تاریخ‌نگاری اسلامی*. ترجمه مصطفی سبحانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

- سبکی، تاج‌الدین عبد‌الوهاب (۱۴۱۳ق). **طبقات الشافعیه الکبری**. تحقیق محمد الطناحی و محمد الحلو. بی‌جا: هجر الطباعه والنشر والتوزیع.
- سجاسی، اسحاق بن ابراهیم (۱۳۶۸ش). **فرائد السلوک**. محقق عبد‌الوهاب نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی. تهران: انتشارات پازنک.
- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م). **الوافی بالوفیات**. تحقیق احمد الارناووط و ترکی مصطفی. بیروت: دار احیاء التراث.
- قرچانلو، حسین (۱۳۸۱ش). **جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی**. تهران: سمت.
- قفطی، ابوالحسن (۱۳۷۱ش). **تاریخ الحكماء**. به کوشش بهین دارائی. تهران: دانشگاه تهران.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۸۹ش). **تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۷ش). **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۱ش) **التنبیه والاشراف**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۸ش). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی، سیدحسن (۱۳۸۱ش). **شناخت و نقد منابع ایران باستان**. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب (۱۳۷۸ش). **تاریخ یعقوبی**. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مقالات

- واسعی، علیرضا و محمد مهدی سعیدی (۱۳۸۹ش). **تاریخ به مثابه فرایند اندیشه در مروج الذهب و التنبه والاشراف مسعودی**. *نشریه تاریخ در آینه پژوهش*. سال هفتم. شماره اول. بهار. صص ۷۱-۹۲.
- ولوی، علیمحمد (۱۳۷۵ش). **ویژگی‌ها و روش تاریخ‌نگاری مسعودی**. *نشریه فرهنگ*. پاییز. شماره ۱۹. صص ۳۲-۱۳.

References in English

- Amīn, A. 2005. *Zahar al-Islāmī. Dār al-Kitāb al-‘Arabī*, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Bakrī, A.‘A.‘A. 2014. *Al-Masālik wa al-Mamālik*. H. Ḳarčānlū. (Translator). Research Center for Islamic Studies, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Christensen, A. 1999. *Īrān dar Zamāni Sasanīyān*. R.Yāsīmī. (Translator). *Dunyāyi Kitāb*, Tehran. (In Persian) (**Book**)

- Himawī, A. 'A.Y. 1993. Mu'djam al-Udabā'. I. 'Abbās. (Editor). Dār al-Gharb al-Islāmī, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Ibn Ḥadjar 'Askalānī, A.A. 'A. 2002. Lisān al-Mīzān. 1st (Ed). 'A. Abūghadhīh. (Editor). Al-Bashā'ir al-Islāmīyah, (n.p). (In Arabic) (**Book**)
- Ibn Ḥazm Andulusī, A.M. 1983. Djumhurat al-Ansāb al-'Arab. Dār al-Kutub al-'Ilmī, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Ibn Khaldūn, 'A. 1997. Muḳadami. M.P. Gunābādī. (Translator). 'Ilmī wa Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Nadīm, M.I. 2003. Al-Fehrest. M.R. Tadjadud. (Translator). Asāthīr, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ismāīl, M. 2010. Naḳdi Tārīkh Pazhūhīyi Islāmī. Research Center for Islamic Studies, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ḳarčānlū, Ḥ. 2003. Djughrāfiyāyi Tārīkhīyi Kishwarhāyi Islāmī. SAMT, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ḳifṭī, A. 1993. Tārīkh al-Ḥukamā'. B. Dārā'ī. (Editor). Tehran University, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Krachkovsky I.Y. 2011. Tārīkhī Niwīshthihāyi Djughrāfiyāi dar Djahāni Islāmī. A. Pāyandih. (Translator). 'Ilmī wa Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Mas'ūdī, A. 'A.A. 2000. Murūdj al-Dhahab wa Ma'ādin al-Djūhar. A. Pāyandih. (Translator). 'Ilmī wa Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- _____. 2003. Al-Tanbīh wa al-Ishrāf. A. Pāyandih. (Translator). 'Ilmī wa Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Mūsawī, S.H. 2003. Shīnākhṭ wa Naḳdi Manābi'i Īrāni Bāstān. Shiraz University, Shiraz. (In Persian) (**Book**)
- Robinson, Ch.F. 2011. Tārīkh Nigāryi Islāmī. M. Subḥānī. (Translator). Research Center for Islamic Studies, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Sabkī, T. 'A. 1993. Ṭabaḳāt al-Shāfi'iyih al-Kubrā. M. Alṭanāhī & M. Alḥalw. (Editor). Ḥadjar al-Ṭibā'ah wa al-Naṣhr wa al-Tūzī', (n.p). (In Arabic) (**Book**)
- Sadjāsī, I.I. 1990. Farā'id al-Sulūk. 'A. Nūrānī Wiṣāl & Gh. Afrāsyābī. (Editor). Pāzhang, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ṣafḍī, S.A. Kh. Ī. 2000. al-Wāfi bi al-Wafayāt. A. Al-Arnāu't & T. Muṣṭafā. (Editors). Dār Ihya' Al-Turāth Al-'Arabī, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Walawī, 'A.M. 1997. Wīzhigīhā wa Rawīshī Tārīkhī Nigāryi Mas'ūdī. Farhang, (19): 13-32. (**Journal**)
- Wāsi'ī, 'A. & M.M. Sa'idī. 2011. Tārīkhī bi Muṭhābihi Farāyandi Andīshih dar Murūdj al-Dhahab wa al-Tanbīh wa al-Ishrāfi Mas'ūdī. Tārīkhī dar Ayniyih Pazhūhish, 7(1): 71-92. (**Journal**)
- Ya'Ḳūbī, A.A.Y. 2000. Tārīkhī Ya'Ḳūbī. M.I. Āyatī. (Translator). 'Ilmī wa Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)

**The study of the Mas'udi's history (290-346 AH) in
Altanbihwalashraf with emphasis on sources¹**

**Hasan Mojarabi²
Ali Golami Firozgaie³
Abasali Mohebifar⁴**

Received: 02/10/2018

Accepted: 30/12/2018

Abstract

Although the study of the work of Massoudi's historiography is not limited to the book of Altanbihwalashraf, it would be said that the main branch of his historiography is encompassed.

Masoudi, a prominent historian of the third and fourth centuries, is one of the analytical founders of historiography who, by composing his works, applied a particular attitude to analytical history-based reasoning. Altanbihwalashraf, Massoudi is one of the books of the middle of the 4th century AH which, at the same time, provides the reader with a wide range of historical, geographical and philosophical information. The main subject of this article is the identification of sources of information on Masoudi's historiography in Altanbihwalashraf. The use of texts such as Greek, Arabic, Christian, Jewish, and Indian sources, which represents an attempt to enrich the contents of the material, as well as the use of its geography and the use of an important and effective method of observing it and integrating it with rational mind and its

¹. DOI: 10.22051/hph.2018.19544.1204

². Member of faculty member of Amin University of Police, (responsible author).
mojarabi398@gmail.com

³. Lecturer at the History Department of Qazvin International University.
gh.firozjaii@yahoo.com

⁴. Lecturer Department of Islam Studies PNU. a_mohebifar@pnn.ac.ir

Biannual Journal of Historical Perspective & Historiography Alzahra
University
Vol.28, No.21, 2018
<http://hph.alzahra.ac.ir/>

mainstreaming, including the main sources of resources and the methods used by Masoudi to acquire historical news and historical knowledge for writing history that has made him one of the legacies of the historicist tradition of analysis.

Keywords: Massoudi, Altanbihwalashra, History, Geography, Resources